

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: عثمان حیدری

۱۳ نومبر ۲۰۱۷

وضعیت طبقه کارگر در ایران و وظایف کارگران انقلابی و پیشرو

طبقه کارگر در ایران زیر منگنه فشار خرد کننده ای قرار دارد که یک طرف آن سرمایه داری بحران زده ایران و جهان، و طرف دیگرش ستم و تبهکاری کم نظیر حکومت دینی نظامی – دیوانسالار مرتجعی است که تمام قدرت نظامی، امنیتی، پولیسی، سیاسی و ایدئولوژیک خود را در خدمت منافع غارتگرانه سرمایه داران و زمینداران، سرکوب کارگران و دیگر توده های زحمتکش شهر و روستا و روشنفکران انقلابی و معترض به کار گرفته تا آرزوها و رویاهای جاه طلبانه، ارتجاعی و ویرانگر منطقه ئی سردمداران جمهوری اسلامی و طبقه حاکم ایران را تحقق بخشد. کارگران مزدی در ایران بزرگترین طبقه اجتماعی، بزرگترین مولد ثروت اجتماعی هستند و با خانواده هایشان اکثریت مطلق جمعیت کشور را تشکیل می دهند. با این حال اکثریت قریب به اتفاق آنها زیر خط فقر به سر می برند؛ حدود ۶ میلیون نفر از آنان بیکاراند و تنها بخش ناچیزی از این جمعیت بیکار ۶ میلیونی از مستمری ناچیز بیکاری برای مدتی محدود بهره منداند؛ بیش از ۹۰ درصد کل کارگران شاغل بخش های خصوصی و دولتی با قراردادهای موقت و یا سفید امضاء بدون تأمین شغلی مشغول کاراند. کارگران در ایران از ابتدائی ترین حقوق شناخته شده بین المللی کارگری مانند حق تشکل، حق اعتصاب، حق گردهمایی و اعتراض، حق مذاکرات دسته جمعی، آزادی بیان و غیره محروم اند. تبعیض های جنسی، دینی، ملی و نژادی در کارخانه ها و دیگر محیط های کار در ایران رواج دارد، آزار و سوء استفاده جنسی، به ویژه از سوی کارفرما و کارگزارانش اعمال می شود، کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال به کار گرفته می شوند، سوانح مرگبار در کارخانه ها، معادن، کارگاه های ساختمانی و غیره بیداد می کنند، وضع بیمه های اجتماعی نابسامان است و بسیاری از کارگران از حداقل تأمین اجتماعی بی بهره اند، مستمری اکثریت عظیم بازنشستگان از مزد حداقل هم پائین تر است، و «گل سرسبد» همه اینها این است که بسیاری از کارفرمایان خصوصی و دولتی حتی از پرداخت مزد کارگران سرپیچی می کنند و مزد ناچیز صدها هزار کارگر طی ماه ها و بلکه سال ها به تعویق می افتد.

در چنین وضعیت اقتصادی و اجتماعی دهشت باری، شرایطی فوق العاده خشن و استثنائی در کارخانه ها و محیط کار و در سطح جامعه به طور کلی سیطره دارد که بیانگر دامنشی افسار گسیخته سرمایه داران، دولت و هیأت حاکم است. اخراج از کار، زندان، شکنجه های سیستماتیک جسمی و روانی، مجازات های وحشیانه مانند شلاق زدن، اعدام و یا مرگ برنامه ریزی شده در انتظار کارگرانی است که برای دستیابی به حقوق خود و هم طبقه ئی هایشان مبارزه می

کنند. رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و همه نهادهای رسمی و غیررسمی آن می کوشند هر تلاش کارگران را برای بهبود زندگی طبقه کارگر در نطفه خفه و سیر قهقرائی زندگی را بر این طبقه تحمیل کنند. فعالان کارگری را نه تنها در زمان فعالیت و در دوره‌های بازداشت و محکومیت به زندان زیر فشار و سرکوب و تهدید دائمی قرار می دهند بلکه عطش کینه توزانه رژیم نسبت به هر گرایش انقلابی و ترقی خواهانه و به ویژه وحشت او از برآمد و گسترش جنبش کارگری، فعالان کارگری و اجتماعی و سیاسی را در دوران به اصطلاح آزادی آنان از زندان و یا مرخصی به خاطر بیماری های سختی که غالباً در زندان بدان مبتلا شده اند نیز در امان نمی گذارد. یکی از آخرین نمونه های این رفتار وحشیانه و در همان حال پست و حقیرانه رژیم، پابند زدن و بستن محمود صالحی به تخت بیمارستان است که نفرت و انزجار همگان را برانگیخته است. همه دیدند که رژیم حتی به یک بیمار در حال دیالیز پابند می زند همان گونه که با زنجیر فقر، سرکوب و اختناق به تمام کارگران و زحمتکشان و اکثریت عظیم مردم ایران دستبند و پابند و زبان بند زده است.

همه این واقعیت ها نشان می دهند که طبقه کارگر برای رهائی از وضعیت فاجعه باری که نظام سرمایه داری و حکومت دینی نظامی - دیوانسالار جمهوری اسلامی بر او تحمیل کرده چاره ای جز مبارزه همه جانبه با نظام سیاسی و اقتصادی - اجتماعی حاکم ندارد. یعنی طبقه کارگر باید در تمام عرصه های اقتصادی - اجتماعی، سیاسی، نظری و فرهنگی با بورژوازی و نهادهای سیاسی، قضائی و اداری حاکم که مهم ترین آنها دولت جمهوری اسلامی است به مبارزه ای پیگیر و آشتی ناپذیر برای ریشه کن کردن کل نظام سیاسی و اقتصادی - اجتماعی حاکم روی آورد و نه آن که صرفاً به مبارزه ای نمادین و برجسته کردن اغراق آمیز نمادهای مبارزه بسنده کند. طبقه کارگر در این نظام و با این نظام روی آزادی، آسایش، رفاه و امنیت به خود نخواهد دید و شرایط زندگی و آینده اش دشوارتر و تحمل ناپذیرتر خواهد گردید.

مبارزه سیاسی بخشی جدائی ناپذیر و حیاتی از مبارزه طبقه کارگر برای ایجاد دگرگونی واقعی و مطلوب در جامعه است. مبارزه سیاسی طبقه کارگر نه برای اصلاح رژیم - که ماهیت ارتجاعی و اصلاح ناپذیرش را طی نزدیک به ۴۰ سال به همگان نشان داده - بلکه برای برانداختن انقلابی آن و گرفتن زمام امور جامعه در دست طبقه کارگر و زحمتکشان متحد اوست.

با چنین چشم اندازی باید شیوه مبارزه این طبقه و در درجه اول شیوه مبارزه کارگران پیشرو و انقلابی نیز خود را با ملزومات مبارزه انقلابی هماهنگ سازد: باید شیوه مبارزه خود را با مضمون مبارزه انطباق دهد. یکی از این ملزومات عمل متحد طبقه کارگر و تشکل یابی او به ویژه ایجاد حزب سیاسی انقلابی طبقه کارگر و پیشبرد مبارزات سیاسی این طبقه است.

اختناق سیاسی و سرکوب عریان حاکم بر جامعه ایران چنان وضعیتی ایجاد کرده که امروز نه تنها برای ایجاد حزب سیاسی انقلابی طبقه کارگر بلکه برای ایجاد سندیکاهاى مستقل کارگری هم نمی توان تنها با مبارزات علنی پیش رفت. کارگران باید به مبارزه مخفی و علنی، مبارزه قانونی و غیر قانونی (به مفهوم مبارزه انقلابی)، به مبارزات اقتصادی - اجتماعی و مبارزات سیاسی و فرهنگی مستقل خود روی آورند یعنی مبارزاتی که اهداف و منافع کارگران و زحمتکشان را در عمل و نظر به پیش برد و توسط خود طبقه و مبارزان انقلابی پرولتاریا صورت گیرد و رهبری شود. مبارزه مخفی برای حفظ فعالان پیشرو کارگری، ادامه و تکامل مبارزات و تجربیات آنها، تعمیق پیوندشان با توده های کارگر و برای بیان دقیق، روشن و بی سانسور (اعم از سانسور دولتی یا خودسانسوری) خواست ها، دیدگاه ها، تحلیل ها و انتقال اطلاعات اهمیت و ضرورت تام دارد.

نمی‌توان کار مخفی را دور زد. هرگونه نفی مبارزه مخفی انقلابی طبقه کارگر و تکیه یک جانبه بر مبارزات علنی و به اصطلاح قانونی، کارگران را از یک وسیله و سلاح مهم و حیاتی شان محروم می‌کند و خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته در خدمت نظام حاکم است. به همین طریق نفی مبارزه علنی و نفی استفاده از کوچکترین امکانات قانونی و علنی نیز به مبارزات کارگران لطمه می‌زند و مانع بسط و همه گیر شدن مبارزه می‌گردد و مبارزه را به انزوا می‌کشد. باید هر دو شیوه را به کار گرفت و تدابیر سازمانی لازم را به اجراء گذاشت به طوری که کار مخفی و کار علنی به یک دیگر آسیب نزنند بلکه مکمل و پشتیبان یک دیگر باشند.

همان گونه که پیشتر نیز گفته ایم ما برآنیم که طلایه های آگاهی طبقاتی در مبارزات کارگران خود را بیشتر و بیشتر نشان می‌دهند. برای این که آگاهی طبقاتی عمق و قوام یابد و برای این که به نیروی مادی در جهت رهائی طبقه کارگر و توده های زحمتکش بدل شود باید در سازمان های طبقاتی پرولتاریا، به ویژه در حزب سیاسی انقلابی طبقه کارگر و سندیکاهای مستقل کارگری (مستقل از دولت، کارفرما، احزاب سیاسی و نهادهای دینی) تبلور پیدا کند. برای انجام این وظیفه سترگ، مبارزه مخفی اهمیت حیاتی دارد و کارگران انقلابی باید بیش از پیش دست اندر کار گسترش آن شوند و با گرایش های سازشکارانه و اصلاح طلبانه ای که کار مخفی را رد می‌کنند به مبارزه نظری و سیاسی بی‌امان روی آورند.

کارگران انقلابی متحد ایران

۲۱ آبان [عقرب] ۱۳۹۶